

# نقش "ایپاک" در فرایند سیاستگذاری خارجی امریکا

رحیم بابازاده  
کارشناس ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک

## چکیده

امروزه عرصه سیاستگذاری خارجی ایالات متحده امریکا با وجود گروه‌های لابی به عنوان یک منبع حیاتی بیرونی برای رژیم اسرائیل درآمده است. لابی یهود در نظام سیاسی این کشور به کمک مثلث سیاستمداران و نخبگان سیاسی، آرا و جمعیت ۷/۵ میلیونی امریکا (یهودیان مهاجر امریکا) و ثروت بیکران یهودیان توانسته است عرصه سیاسی امریکا و مناصب مختلف فرهنگی، سیاسی، کابینه دولت و کنگره و دیگر دستگاه‌های مهم آن کشور را متأثر از خود سازد. امروزه اسرائیل به برکت وجود لابی یهود (ایپاک) به خانه استعمار تبدیل شده است. سیاست مهار دوگانه علیه ج. ا. ا. در ماه مه ۱۹۹۳ توسط یکی از مهره‌های اساسی این گروه یعنی "مارتین ایندایک" مطرح شد و به تصویب رسید. در کل می‌توان گفت که سیاست‌های خصومت‌زا و براندازانه امریکا علیه ج. ا. ا. از فشار این گروه در عرصه جهانی متأثر است. نگارنده در این مقاله می‌کوشد نقش این گروه را در سیاست خارجی امریکا تشریح کند.

**کلیدواژه‌ها:** لابی یهود، ایپاک، سیاست خارجی امریکا

## مقدمه

در این نوشتار ابعاد مختلف نفوذ و تأثیرگذاری ایپاک در فرایند سیاستگذاری

خارجی امریکا با این سؤال مطرح می‌شود که لابی «ایپاک» در سیاستگذاری خارجی امریکا چگونه تأثیرگذار است.

برای پاسخ به این سؤال طبعاً با ابهامات و سؤالات فرعی دیگری روبه‌رو می‌شویم که پاسخ به آنها می‌تواند در رسیدن به اهداف این نوشته کمک کند؛ از جمله اینکه

(۱) چگونه فرایند سیاست خارجی امریکا با وجود گروه‌های ایپاک به منبع حیاتی بیرونی برای دولت صهیونیستی تبدیل شده است؟

(۲) سمت‌گیریهای سیاسی، نظامی و در کل، سیاست‌های جانبدارانه امریکا در برابر دولت صهیونیستی اسرائیل در طول کدام محورها نشان داده شده است؟

(۳) تغییر استراتژی امریکا در خاورمیانه و حمایت‌های بی‌دریغ امریکا از اسرائیل در مهار بنیادگرایی اسلامی و جلوگیری از رشد ناسیونالیسم عربی، و سرکوبی انتفاضه فلسطین و مبارزه با صدور انقلاب اسلامی ایران ناشی از کدامین پدیده و مکانیزم سیاسی است؟

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که مجموع سمت‌گیریها، مهار دوجانبه ایران از سوی کنگره و دستگاه سیاستگذاری خارجی امریکا، بازی با حاصل جمع پشیمانی نسبت به ایران در مکانیزم مهار، نفوذ و تأثیرگذاری لابی ایپاک بر تصمیمات سیاست خارجی امریکا است که ناشی از ماهیت کثرت‌گرایی جامعه امریکا و نظام سیاسی و حزبی آن است که موجب شده زمینه

لازم برای فعالیت انواع گروه‌های فشار و  
ذینفوذ پدید آید.

### تعریف و مفهوم لابی

لابی‌ینگ<sup>۱</sup> اصطلاحی است معادل «درخواست از  
نمایندگان خود برای تصویب قانون و یا تغییر  
در آن به نفع گروه یا دسته‌ای خاص». همچنین  
به گروه و یا نمایندگانی از مردم نیز اطلاق  
می‌شود که برای تصویب و یا تغییر قانون از  
طریق مجلس و نمایندگان آن، فعالیت و یا  
اقداماتی انجام می‌دهند.<sup>(۱)</sup> به تماس‌های شخصی  
که در راهروها و قسمتهایی از ساختمان قوه  
مقننه یا نمایندگان مجلس برای تصویب یا تغییر  
قانون در جهت حمایت از اهداف و خواسته‌های  
خویش و کسب امتیازات منطبق با منافع خود  
(طیفی یا صنعتی) هم گفته می‌شود.

### تاریخچه مهاجرت یهودیان در جامعه امریکا

تاریخچه مهاجرت و حضور یهودیان در امریکا  
از مراحل متفاوتی تشکیل شده است که در این  
بخش به تحولات مربوط به قبل از سالهای ۱۹۴۸  
پرداخته می‌شود که به روند حضور یهودیان در  
جامعه امریکا منجر شد.

#### الف - برنامه بیلت مور<sup>۲</sup>

پس از اینکه انگلستان در سال ۱۹۳۹ کتاب  
سفید را در راستای مخالفت با مهاجرت  
یهودیان به فلسطین و طرح نظریه تبدیل فلسطین  
به یک کشور یهودی منتشر ساخت و همزمان با

<sup>۱</sup>- Labbying

<sup>۲</sup>- Bilt Mour

تحوّلات خاصی که در جهان رخ داد، سازمان یهودیان جهان برای خود استراتژی جدیدی را طراحی کرد. براین اساس با فاصله گرفتن یهودیان از انگلستان در اوت ۱۹۳۹ در بیلت مور اتحادی میان «سازمان جهانی یهود» و یهودیان امریکایی منعقد شد. در طی نشست بین رهبران سازمان جهانی یهود و هیأت یهودیان امریکایی در ژنو تصمیم به تأسیس سازمان جدیدی گرفته شد که یهودیان پس از جدایی از انگلستان به آن پیوندند. این سازمان نخست «کمیتة اضطراری امریکا در مورد یهودیت» نام گرفت و بعداً به «شورای اضطراری صهیونیست‌های امریکایی» تغییر نام داد.

کنفرانس بیلت مور در واقع نتیجه تلاش‌های این شورا بود. در برنامه بیلت مور چهار هدف مطرح شده بود که عبارت بودند از:

۱- تأکید بر ارتباط دولت مستقل یهودی با دموکراسی

۲- رد کتاب سفید ۱۹۳۳ انگلستان (۲)

۳- آزادی مهاجرت تحت نظر آژانس یهود

۴- ایجاد ارتش یهودی با پرچم صهیونیسم. (۳)

با پیوستن طیف یهودیان امریکا به رهبری «لویس اندیس» به سازمان جهانی صهیونیسم، عملاً این طیف موجودیت خود را به سایر یهودیان جهان اعلام کرد.

**ب- طرح موریسون - گراوی**

این طرح توسط امریکا و انگلستان در ژوئیه ۱۹۴۶ در لندن ارائه شد. براساس این طرح، فلسطین به چهار بخش تقسیم می‌شد: یک استان عرب، یک استان یهودی، بخش نقب و قدس. دو استان عرب و یهودی هرکدام به طور

جداگانه دارای حکومت خودمختار و مجلس قانونگذاری می‌شدند و همچنین یک حکومت مرکزی تحت نظر و ریاست کمیسر عالی که امور دفاعی، خارجی، گمرکی و روابط سیاسی کل کشور را در دست داشت، به طور مستقیم اداره بخش قدس و صحرائی نقب را به دست می‌گرفت. امور مهاجرت نیز در اختیار دولت مرکزی بود و مهاجرت با اجازه مردم منطقه صورت می‌گرفت، اما این طرح توسط هر دو طرف (اعراب و صهیونیست‌ها) رد شد.

بدین ترتیب تنش‌های سال ۱۹۴۲ و ۱۹۴۴ که با مبارزه یهود علیه انگلستان و اعراب مقارن بود در نهایت باعث شد که جامعه یهودیان به کشور قدرتمند دیگری تکیه کنند تا از این رهگذر به آمل و اهداف خود دست یابند.

امریکا پس از جنگ دوم جهانی به عنوان قدرت برتر در مقابل کمونیسم قد علم کرد و رهبران یهود نیز در کنفرانس پالتیمور که در ۸ مه ۱۹۴۲ در نیویورک برگزار شد، تصمیمات مهمی در این زمینه اتخاذ کردند. هرچند این نشست، یک نشست رسمی یهودیان به شمار نمی‌آمد، صرف برگزاری آن از اهمیت خاصی برخوردار بود. این نشست نقطه آغازین شروع جریان دگراندیش و نشانگر اتکای جریان اتحاد یهود و تکیه آنان بر امریکا را به‌عنوان بطلان انگلستان محسوب می‌شد.<sup>(۴)</sup> در پی آن در سال ۱۹۴۸ کمیته اجرایی شعبه سیاسی یهودیان که نقش روابط را با دولت انگلیس داشت به شهر نیویورک منتقل شد. رهبران یهودی صهیونیستی پس از جنگ جهانی دوم به این اعتقاد رسیده بودند که

حمایت ایالات متحده آمریکا برای موفقیت  
یهودیان ضروری است.

### عوامل گرایش جامعه یهودیان به آمریکا

از ابتدای تأسیس رژیم مستقل یهودی، یکی از انواع استراتژیهای خاص مورد نظر رهبران یهود، تکیه بر یک قدرت قوی خارجی بود. آنها این احساس را داشتند که با تهدید از طرف کشورهای عربی روبه رو هستند. تهدیدی که همواره در پی نابود کردن دولت یهودی است. همین طور آنها دریافتند که قدرت نظامی برای بقای کشور مستقل و نوپای آنها ضروری است و در نتیجه درصدد برآمدند برای توسعه ماشین نظامی قوی در سطح وسیعی سرمایه‌گذاری کنند. درک این مطلب که یهود یک کشور کوچک محاصره شده توسط چندین کشور عربی است و بی‌اعتمادی آنها به پیمانها، ضرورت کم‌کم قدرتهای فرامنطقه‌ای را برای جبران کمبود منابع در مقایسه با جهان عرب طلبیده است. دیوید بن‌گورین نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی در این خصوص بیان می‌کند: «ایجاد یک کشور قوی در آینده از نظر نظامی با ارتفاع در خاورمیانه بسیار مهم است... زیرا یهود همواره بر محور قدرت خود استوار بوده و تنها اگر قبل از هرچیزی به خودش به عنوان قدرتی که عظمتش رو به فزونی است متکی باشد محکم خواهد بود.» (۵)

اگر بخواهیم آماری از روند حضور فزاینده یهودیان در آمریکا بدهیم در سال ۱۸۲۵ تنها ده هزار یهودی در آمریکا بود. ولی با مهاجرت یهودیان آلمانی تا سال ۱۸۸۰ این رقم

به ۲۵۰۰۰۰۰ نفر رسیده بود و از سال ۱۸۸۱ تا سال ۱۹۹۱ با مهاجرت یهودیان اروپای شرقی و مرکزی این رقم نزدیک به چهارمیلیون نفر در امریکا رسید و در حال حاضر این تعداد به ۶/۵ میلیون نفر می‌رسد. (۶)

نباید فراموش کرد که یهودیان مهاجر در سالهای اولیه ورود به امریکا دارای مشاغل پایین بودند. اما پس از چندی بزرگترین شرکتهای عمده اقتصادی امریکا و جهان را پدید آوردند. طبق آماری که در سال ۱۹۰۰ ارائه شد، حدود ۵۹/۱۶ درصد مهاجران یهود به امریکا سرمایه‌دار کوچک بودند و در صنایعی نظیر تولید پوشاک اشتغال داشتند و تنها ۲۰/۶ درصد به تجارت می‌پرداختند. این ارقام در دهه ۱۹۳۰ دگرگون شد و پس از سه دهه به تجارت روی آوردند و کارگران حدوداً ۵۰ درصد کاهش یافتند بقیه نیز حدود ۲۸ و ۱۰ درصد به مشاغل آزاد روی آوردند. مهاجران یهودی فرزندان خود را برای دستیابی به مراکز قدرت به مراکز آموزشی فرستادند تا از طبقه کارگر فراتر روند و به کارگران ماهر تبدیل شوند. (۷)

پس از دهه (۸۰) قریب به ۷۰ درصد از یهودیان امریکا مشاغل اداری و کلیدی را در اختیار دارند و از این تعداد ۹۵٪ پستهای حساس و کلیدی را دارا هستند و موقعیت اجتماعی خود را به سطح بالایی از قبیل سناتور، رئیس شرکتهای رئیس مجامع دانشگاهی - و مدارس حرفه‌ای ارتقا دادند و به واسطه ایجاد تفاوت‌های معنی‌دار اقتصادی و سیاسی، نوعی فرهنگی «پنهان» اما ملموس

یهودیان تا بدان حد بوده که «یونگ» را بر آن داشت تا از اصطلاح «شهروندي ترجیحی» در این زمینه استفاده کند و بازانديشي رابطه میان گروه‌هاي مختلف شهروندان را با یکدیگر و با حکومت به مثابه پدیده‌اي ضروري مورد تأکید قرار دهد. (۸)

امروز یهود در کنگرة امریکا و همچنین دستگاه‌هاي تأثیرگذار به صورت يك اصل در فرهنگ سياسي امریکا پذیرفته شده است. هنگام انتخابات ریاست جمهوری آرا یهودیان نقشي تعیین کننده دارد. (۹)

بطور کلی لابی یهود از روشهاي خاصی در تعمیق تأثیرگذاري براي رسیدن به آمال و اهداف خود استفاده کرده که از مهمترین عوامل قدرت نافذ در پیوند آنان با جامعه امریکا است. مهمترین این عوامل عبارتند از:

- ۱- مباني اعتقادي مشترك
- ۲- تلاقي منافع امریکا و لابی یهود در برابر رژیم صهیونیستی و ضرورت حفظ آن
- ۳- کوشش یهودیان برای اشغال منصب شهروندی در جامعه امریکا

### ایپاک نافذترین لابی یهود

سازمانهاي یهودي فراوانی در امریکا وجود دارد. جامعه یهودیان امریکا و لابی اسرائیل به گونه‌اي ساختاربندي شده اند که مؤثرترین نقش را در سیاست خارجی امریکا ایفا می‌کنند. بانفوذترین لابی در امریکا ایپاک نام دارد که تحت قانون فدرال امریکا ثبت شده است. (۱۰)



(AIPAC) ایپاک، مخفف American Israel Public Affairs Committee و به معنی کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل معروف شده که در سال ۱۹۵۱ تشکیل گردیده و در سال ۱۹۵۳ رسماً اعلام موجودیت کرده است. مقر آن در واشنگتن است اما علاوه بر دفتری اصلی خود، دفتری دیگری نیز در شهرهای مختلف آمریکا دارد. این کمیته با هدف افزایش کمک‌های اقتصادی آمریکا به اسرائیل تشکیل شد و بیش از هر سازمان یهودی در آمریکا، مدافع سیاست‌های رژیم اسرائیل است. کنن در کتابش به نام خطوط دفاعی اسرائیل در مورد وضع اسرائیل در سال ۱۹۵۱ می‌نویسد: «اسرائیل به کمک اقتصادی آمریکا نیاز داشت تا بتواند انبوه مهاجران را جذب کند و در ضمن به اقتصاد خود نیز رونق بخشد». این کمیته از سال ۱۹۸۲ به بعد اولویت‌های ذیل را به عنوان خط مشی و سیاست‌های خود پذیرفته است:

- ۱- تأمین کمک‌های خارجی بیشتر برای اسرائیل
- ۲- همکاری استراتژیک بین آمریکا و اسرائیل
- ۳- به رسمیت شناختن اورشلیم (بیت المقدس) به عنوان پایتخت اسرائیل از سوی آمریکا
- ۴- اتخاذ خط‌مشی‌های اقتصادی - بازرگانی در

جهت تأمین منافع بیشتر برای اسرائیل. (۱۱)

این کمیته پس از مشخص کردن اولویت‌ها و برای آنها طرحی تهیه و تدوین می‌کند و بدین ترتیب عملیات و فعالیت سیاسی «لابینگ» برای تحقق این اهداف در کنگره شروع می‌شود:

- ۱- تأمین کمک‌های خارجی
- ۲- همکاری استراتژیک
- ۳- به رسمیت شناختن اورشلیم

۴- اتخاذ خطمشی‌های اقتصادی

### سازمان و ساختار ایپاک (AIPAC)

این کمیته از نظر ساختار دارای ۲۵۰ نفر متخصص نیروی انسانی و بیش از ۱۲ دفتر منطقه‌ای و قریب صدها میلیون دلار بودجه است که به عنوان محور اصلی عمل می‌کند. به علاوه در شهرهای دیگر نیز دفترهایی دارد و در میان ۶/۵ میلیون یهودی ساکن امریکا تأثیرگذاری و برنامه‌ریزی می‌کند این کمیته علاوه بر موارد فوق به تأسیس کمیته‌های دیگر اقدام می‌کند که همانند چتری، دیگر فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی را در امریکا و دیگر نقاط دنیا رهبری و هدایت می‌نماید.<sup>(۱۲)</sup> مهمترین این کمیته‌ها از نظر ساختاری عبارتند از:

#### الف - کمیته ملی فعالیت سیاسی برای حمایت

##### از اسرائیل

این کمیته از سال ۱۹۸۲ با این شعار تأسیس شد: «اعتقاد به اسرائیل، امریکا را تقویت خواهد کرد.»<sup>(۱۳)</sup>

این کمیته بزرگترین و ثروتمندین و در عین حال مشهورترین کمیته از نوع کمیته‌هایی است که توسط ماروین جوزوف سالن و به منظور حمایت سیاسی از اسرائیل تشکیل شد است. کمیته ملی همواره سعی داشته است از عضویت افراد سرشناس در کمیته بهره‌تبلیغاتی ببرد. انگیزه تشکیل چنین کمیته‌ای اوجگیری احساسات ضدسامیسم از یک سو و نقش معاملات بزرگ در حمایت از فروش اسلحه از سوی دیگر بود. به این ترتیب کمیته ملی درصدد بود تا با

تعدیل در روند یاد شده، زمینه‌های بهبود موقعیت اسرائیل را در آمریکا ایجاد کند. این کمیته توانست با بهره‌گیری از امکانات مالی و ابزاری خود، موقعیت مطلوب و مؤثری را به منظور توسعه وضع مطلوب منطقه‌ای اسرائیل فراهم آورد. بسیاری از ابزارهای ارتباط جمعی آمریکا در وضعیت بهبود تحت تأثیر و نظارت این گونه سازمانها هستند. برای اساس طبیعی است که روندی در جامعه آمریکا شکل گیرد که براساس آن سیاست خارجی و بویژه سیاست کل منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه را تحت تأثیر قرار دهد. (۱۴)

اهداف و خط‌مشی‌های این کمیته عبارتند از:

- ۱- «مشکلات» تعهد آمریکا نسبت به اسرائیل تضعیف می‌شود یا در حال تضعیف شدن است.
- ۲- «منافع طویل‌مدت آمریکا در خطر است». لطمه شدیدی به آمریکا خواهد خورد چنانچه پیوندش با اسرائیل فرسوده شود.
- ۳- «شواهد و مدارک اشتباه‌ناپذیر»، تبلیغات دلارهای نفتی، سخت‌گیریهایی مضاعف بین‌المللی علیه اسرائیل، اشاعه این احساس که چسبیدن به اسرائیل به دردهای آن نمی‌ارزد.
- ۴- «ما می‌توانیم با هم عمل کنیم». کسانی که با ما در این نظر شریکند از هر دو حزب می‌باید برای قصدی مقامات انتخاب شوند و کمیته ملی وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف است.

#### ب- کنفرانس رؤسای سازمانهای بزرگ یهودی

این کنفرانس در تاریخ ۱۹۵۹ تأسیس شد که مؤسس آن نوهام گلدمان است. پیدایش این کنفرانس عملاً در نتیجه شکایات معاون وزارت

خارجة امریکا هنري باي بوده است. او شکايت داشت که تعداد زيادي از سازمانهاي يهودي براي ملاقات با رئيس جمهور وقت يعني آيزنهاور و بحث بر سر مسائل امریکا و اسرئيل و خطمشی آنان نسبت به خاورميانه با هم به رقابت مي‌پردازند. نوهام گلدمان براي جلوگيري از هر نوع تعارضي بين سازمانهاي يهودي ۱۶ سازمان بزرگ يهودي را دور هم جمع کرد تا در واقع سياستهاي خود را هماهنگ سازند. سازمانهاي تشکيل دهنده اين گروه عبارت بودند از: کنگره يهوديان امريکايي، شوراي اتحادييه‌هاي کارگري امریکا و اسرئيل، کميته امریکا و اسرئيل براي امور عمومي، شوراي صهيونيستهاي امریکا، مجمع ضدافتراي هداساه، بخش امريکايي آژانس يهوديان، کميته کارگران يهودي، سازمان سربازان قديمي جنگ، سازمان صهيونيستي کار امریکا، سازمان ميرزاچي، کميته ملي مشورتي، کميته جوامع محل، اتحادييه‌هاي کنگره‌هاي عبري امریکا، اتحادييه يهوديان ارتدکس، کميته‌هاي متحد امریکا و سازمان صهيونيستهاي امریکا.

اين سازمانها اساساً به کلپ رؤسا مشهور هستند. نقش اصلي کنفرانس تهيه تريبوني است براي مطرح کردن مسائل مربوط به اسرئيل در داخل امریکا و وسيله‌اي براي منعکس کردن نظر جمعي رهبران يهودي امریکا در خارج است. جوليوس برمن مي‌گويد: «من معتقدم در تاريخ جوامع يهودي امریکا کنفرانس رؤسا پديده‌اي باورنکردني است. ما همه قبول داريم که يهوديان امریکا تنها مجموعه‌اي در دنيا است که بيش از حد سازماندهي شده و البته اين خود نوعي بي‌سازماني و آشفتگي است تا هرکس

آنچه دلخواه اوست بگوید؛ ولی کنفرانس عاری از چنین نقیصی است. امروزه با وجود کنفرانس، ۳۶ سازمان توانایی‌های مختلف خود را روی هم گذاشته‌اند و با هم در مورد یک موضوع کار و فعالیت می‌کنند. این موضوع با در نظر گرفتن اختلاف نظر بین آنها در بسیاری از زمینه‌ها و بدون دخالت در امور سازمانی یکدیگر تنها معجزه زمان ما است.»

### ج- انستیتو یهودیان برای امور امنیت ملی

این انستیتو در سال ۱۹۷۷ میلادی تأسیس شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ تعداد تحلیل‌گر نظامی طرفدار اسرائیل در رابطه با مسائل استراتژیک خاورمیانه «گروه مراقبت پنتاگون» را که مرکز آن در واشنگتن بود تشکیل داده و موضوعات مورد تأکید این گروه از نظر روابط آمریکا و اسرائیل عبارتند از:

۱- اسرائیل از نظر استراتژیک در خاورمیانه برای آمریکا دارای ارزش حیاتی است.

۲- حمایت آمریکا از اسرائیل می‌بایست جنبه استراتژیک داشته و به حمایت اخلاقی و سیاسی اکتفا نگردد.

۳- از آنجا که منافع امنیتی آمریکا و اسرائیل در هم آمیخته و مرتبط است، در فشار قرار گرفتن اسرائیل از طرف شوروی و حامیان او، منافع آمریکا در منطقه را نیز به خطر خواهد انداخت.

۴- اتحاد شوروی (سابق) به طرق مختلف قصد کنترل خاورمیانه را دارد و مسئول بسیاری از مشکلاتی است که از جانب اعراب برای اسرائیل ایجاد می‌گردد و این موضوعی است که باید آشکار گردد.

## منابع اعمال نفوذ

لابي يهود براي اعمال نفوذ بر ساختار و دستگاه تصميم‌گيري دولتمردان از منابع رسمي و غيررسمي مهمي بهره‌برداري مي‌کند که مهمترين آنها عبارتند از:

- ۱- وسايل ارتباط جمعي
- ۲- مطبوعات
- ۳- تئاتر
- ۴- سينما
- ۵- رسانه‌هاي سمعي و بصري

## نفوذ لابي ايپاک در مراکز سياسي و انتخاباتي

يکي از نقاطي که ايپاک در آن وارد مي‌شود، انتخابات پارلماني و رياست جمهوري امريکاست. ايپاک غالباً از آن دسته نامزدهاي غيريهودي حمايت مي‌کند که از صهيونيسم و حق موجوديت اسرئيل حمايت مي‌کنند و يا آماده دفاع از آن هستند. علاوه بر ابزارها و راه‌هايي که ايپاک براي اطلاع رساني مطلوب خود استفاده مي‌کند در آستانه انتخابات به برگزاري جلسات آموزشي در سراسر امريکا براي راهنمايي اعضاي خود به منظور چگونگي تعامل مطلوب با انتخابات اقدام مي‌کند. البته ايپاک هميشه موفق نمي‌شود نامزدهاي دلخواه خود را به کنگره بفرستد يا حتي در برخي مسائل حساس نمي‌تواند بر کنگره فشار آورد؛ مانند قرارداد فروش هواپيماي آواکس به عربستان سعودي در سال ۱۹۸۱.

انتخابات ریاست جمهوری امریکا به عنوان بورس سیاسی توصیف شده است. یهودیان امریکا در این هنگام، حالت فوق‌العاده اعلام می‌کنند و فعالیت آنها به اوج خود می‌رسد. معمولاً تلاش‌های لابی یهودی بر چگونگی نفوذ در کاخ سفید به عنوان قرارگاه اصلی تصمیم‌گیری امریکا متمرکز است. بنابراین، زمان انتخابات ریاست جمهوری، تمام امکانات سازمان‌های یهودی برای حمایت از نامزدهایی بسیج می‌شوند که مواضع آنان بیشتر در حمایت از اسرائیل است. در کاخ سفید دو پست مشاوره امنیت ملی و رئیس شورای امنیت ملی برای لابی یهودی، حساس تلقی می‌شود. ایپاک با تمام مقامات امریکایی - خواه لیبرال، محافظه‌کار، دمکرات و جمهوریخواه - تعامل دارد؛ زیرا حفظ منافع اسرائیل مطرح است. نفوذ و اعمال فشار از طریق کنگره و با صدها سازمان سیاسی و فرهنگی یهودی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و... صورت می‌گیرد. دولت امریکا در سیاست‌گذاری‌های خاورمیانه، تحت تأثیر سه عامل مهم زیر است:

#### ۱- عامل اقتصادی

شامل سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و تجاری شرکت‌های امریکایی در زمینه‌های غیرنفتی

#### ۲- عامل استراتژیکی

این مسئله بر ضرورت ادامه برتری جهانی امریکا در چهارچوب نظم نوین جهانی، بویژه منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت راهبردی آن تأکید دارد.

یکی از نمونه‌های نفوذ لابی‌ها در سیاست خاورمیانه‌ای امریکا، قضیه «استروب تالبوت»

است. وی از دوستان قدیمی بیل کلینتون بویژه در دوران تحصیل در آکسفورد بود. تالبوت قبل از اینکه در سال ۱۹۹۴ برای معاونت وزارت خارجه امریکا معرفی شود، مفسر مجله تایم بود. وی در این مجله از اقدامات اسرائیل در لبنان و بمباران راکتورهای اتمی عراق انتقاد کرده، و خواستار سیاست متعادلتر امریکا در خاورمیانه و کاهش کمکهای نظامی این کشور به اسرائیل شده بود. هنگامی که وی برای معاونت وزارت خارجه معرفی شد، لابی یهودی، پرونده وی را مطالعه، و با قرار گرفتن او در این سمت شروع به مخالفت کرد. آنها از بیلکلینتون خواستند از نامزدی تالبوت صرف نظر کند تا جایی که کریستوفر، وزیر خارجه وقت برای قانع کردن یهودیان با رهبران سازمانهای یهودی دیدار کرد. تالبوت مجبور شد در کمیته روابط خارجی سنا به مواضع اقتصادی خود از اسرائیل در مجله تایم اذعان کند و از شدت مخالفت یهودیان بکاهد. بنابراین، تالبوت از مواضع سابق خود برگشت و از یهودیان عذرخواهی کرد. (۱۵)

## زمینه‌های تأثیرگذاری ایپاک بر سیاست خارجی امریکا

همواره ایپاک از دو طریق اساسی، زمینه‌های لازم را برای تأثیرگذاری در سیاست خارجی امریکا مد نظر دارد که عبارت است از:  
الف - تأثیرگذاری مستقیم: که براین اساس از طریق تماسها و نشستهایی با مسئولان بلندپایه امریکا از جمله رئیس جمهوری و



سناتورها و نمایندگان مجلس و کارمندان بلندپایه وزارت امور خارجه صورت می‌پذیرد.

ب - اثرگذاری از راه‌های غیرمستقیم: لابی‌هایود (ایپاک) مسائل مختلفی را از طریق رسانه‌ها و مطبوعات و سمینارها و مقاله‌ها و نامه‌ها، و تبلیغات فشرده مطرح می‌کند تا نظر افکار عمومی آمریکا را جلب کند. آگاهان به مسائل و تاریخ یهودیان آمریکا می‌دانند که آنها به اشتباه خود در اروپا به دلیل انزوایشان از جوامعی که در آن زندگی می‌کردند و در «گتوها» به سر می‌بردند پی بردند و در تعامل با جامعه آمریکا و جوامع دیگر، استراتژی جدیدی را پی‌ریزی کردند تا ادغام عملی صورت گیرد.<sup>(۱۶)</sup> این در حالی است که با توجه به حس برتری یهودیان آنها توانسته‌اند در تمام مراکز حیاتی آمریکا خواه رسمی یا غیررسمی نفوذ کنند تا آنجا که امروزه ۲۰ درصد از میلیاردرهای آمریکایی یهودی هستند که بیشتر این یهودیان برای دولت ملی خود یعنی اسرائیل در تلاشند و همواره در فکر منافع ملی خود هستند.

مدیران و رهبران ایپاک در حال حاضر اثرگذاری غیرمستقیم را تحت عناوین و برنامه‌های استراتژیک خود به عنوان اصلی‌ترین ارکان تأثیرگذاری یاد می‌کنند و به عنوان مهمترین زمینه تأثیرگذاری در سیاست خارجی آمریکا از آن نام می‌برند.

این استراتژیها عبارت است از:

۱- استراتژی فعال کردن جامعه یهودی در آمریکا: عملگرایی جامعه یهودی در روند سیاست داخلی آمریکا یکی از استراتژیهای

اصلي ايباك است؛ چرا كه اين موضوع، وضعيت بهتري را براي دسترسي و نفوذ در تصميم‌گيري فراهم آورد. ۹۲ درصد از يهوديان در رقابتهاي انتخاباتي امريكا شركت مي‌كنند. در واقع يك اقليت ممكن است در جامعه گسترده به طور عادي، خنثي و يا منفعل عمل كند در حالي كه لابي يهودي جمعيتي فعال و اثرگذار و طبيعتاً به همان ميزان صاحب نفوذ است.

۲- تشكيل ائتلاف با بخشهاي متنفذ غريهودي: براي اين منظور، ايباك به منظور نفوذ در سياستهاي دولت امريكا با بخشهايي كه نقش مهمي در جامعه امريكا دارند نظير دانشگاهيان، رهبران روحاني، و صاحبان صنايع به تشكيل ائتلافاتي مي‌پردازد.

۳- ارتباط شخصي و تشكيل جلسات با سياستمداران متنفذ: اين ارتباط، مسئولان، مقامات بلندپايه، مشاوران و كميته‌هاي اصلي و فرعي كنگره كه به گونه‌اي در ارتباط با خاورميانه و رژيم اسرئيل قرار دارند.

۴- اعمال نفوذ بر نمايندگان كنگره از طريق شخصيتهاي معروف، مردم و يا از طريق پرورش دستياران حقوقي براي آنها، و يا كمك مالي به رقابتهاي انتخاباتي و استفاده از رأي يهوديان. (۱۷)

در مدت بيش از ۵۰ سال كه از تصويب طرح تقسيم فلسطين مي‌گذرد، كنگره امريكا در هر موردی كه با منافع اسرئيل ارتباط داشته با اكثريت قاطع به نفع آنان اظهار نظر کرده است و در بسياري از موارد، پيش از اينكه دولت تصميمي در مسائل مربوط به خاورميانه اتخاذ كند، با صدور قطعنامه‌هاي

به نفع اسرائیل، رئیس جمهوری و دولت آمریکا را تحت فشار گذاشته است. تعداد آرای که در این موارد به نفع اسرائیل داده می‌شود، همیشه بیش از دو سوم سناتورها و اعضای مجلس نمایندگان آمریکا یعنی اکثریت مطلق کنگره را شامل می‌شود. رؤسای جمهوری آمریکا غالباً مجبور می‌شوند برخلاف عقیده خود و علی‌رغم منافع واقعی آمریکا، نظریات و برنامه‌های یهودیان و لابی‌های افراطی را به اجرا بگذارند. (۱۸)

۵- پرسنل ایپاک در تمام جلسات خبری، نشستها و اجتماعات شرکت می‌کنند و مسائلی را که بر ایالات متحده و اسرائیل تأثیرگذار است، را مورد بحث قرار می‌دهند. این موضوعات عبارتند از مبارزه با گسترش تبلیغات به نفع کشورهای از قبیل (ایران و عراق)، تأمین کمکهای مالی و حیاتی برای اسرائیل، تقویت روابط استراتژیک بین نیروهای مسلح دو کشور، توسعه سیاستهای ضدتروریستی و پیشبرد روند با اصطلاح صلح خاورمیانه.

۶- ایپاک برای تمام داوطلبان پستهای دولت مرکزی در ایالات متحده یک منبع اطلاعاتی است. کارکنان ایپاک با تمام گروه‌های مجلس اعیان و مجلس عوام همکاری می‌کنند و درباره شناخت تمام داوطلبان نسبت به دیدگاه‌های جامعه طرفداران اسرائیل و دستیابی آنها به اطلاعات واقعی و بموقع درباره روابط ایالات متحده - اسرائیل اطمینان حاصل می‌کنند.

۷- کارکنان هشت سازمان منطقه‌ای وابسته به ایپاک همه ساله به بیش از ۶۰۰ منطقه سفر می‌کنند تا در زمینه حمایت مؤثر از روابط

ایالات متحده - اسرائیل به اعضای ایپاک آموزش دهند. ایپاک در تمام مناطق مربوط به کنگره بویژه مناطقی که تعداد ساکنان یهودی در آنها بسیار کم است و یا فاقد یهودی هستند، فعالیت می‌کند. این سازمان از اجتماعات سیاسی کوچک گرفته تا کارگاه‌های ایالتی، فرصتهایی را برای سیاسیون تازه‌کار و فعالان کهنه‌کار فراهم می‌سازد تا در روند امور سیاسی مشارکت فعال داشته، درباره روابط ایالات متحده - اسرائیل بیاموزند و مهارتهای خود را در اعمال نفوذ تقویت کنند.

۸- برنامه‌های رهبری دانشجویان به وسیله ایپاک، ابزاری حیاتی برای تقویت قدرت این تشکیلات هم در حال و هم در آینده است. کارکنان ایپاک با ۲۰۰۰ دانشجوی دانشگاه در ۵۰ ایالات همکاری می‌کنند و در زمینه مسائل مختلف به آنها آموزش داده، آنها را در فرایند امور مشارکت می‌دهند.

برنامه کارآموزی دانشگاهی ایپاک یکی از بهترین برنامه‌ها است و سمینارهای منطقه‌ای و داخلی آن برای دانشجویان دانشگاه‌ها از مهیج‌ترین و آموزنده‌ترین تجارب موجود به شمار می‌آید.

۹- حفظ تسلط بر وسایل ارتباط جمعی: اسرائیل و از جمله لابی‌های یهودی ایپاک برای اعمال نفوذ بر تصمیمات مهم به طور مستقیم و غیرمستقیم تسلط خود را بر حدود هشتاد درصد وسایل ارتباط جمعی حفظ کرده‌اند. یهودیان هرزمان اراده کنند می‌توانند یک مقام برجسته دولتی یا هر یک از اعضای کنگره را که در جهت منافع آنها کار نمی‌کند با نقاط ضعفی که از هر یک می‌دانند، رسوا و بی‌اعتبار

سازند. معدودی از سناتورها یا اعضای مجلل نمایندگان آمریکا که جرأت می‌کنند در برابر لابی‌های متنفذ و طرفداران آنها در کنگره ایستادگی کنند و به طرحها و قطعنامه‌های مورد نظر یهودیان رأی مخالف بدهند، کسانی هستند که یا نقطه ضعفی ندارند و در حوزه انتخابیه خود از موقعیت محکم و تزلزل‌ناپذیری برخوردارند و یا دوره آخر سناتوری و نمایندگی خود را می‌گذرانند و قصد انتخاب مجدد به این مقامات را ندارند و گرنه اکثریت سناتورها و نمایندگان کنگره که برای تجدید انتخاب خود به کمک و همکاری وسایل ارتباط جمعی، بخصوص شبکه‌های تلویزیونی احتیاج دارند، نمی‌توانند در برابر فشارهای لابی‌ها مقاومت کنند.

۱۰- استفاده از نفوذ ثروتمندان یهودی: یهودیان بر بخش مهمی از منابع مالی و اقتصادی بخصوص بانکهای آمریکایی تسلط دارند. لابی‌های یهودی از این ابزارها برای جلب حمایتها به سود وطن بیرونی و مادری خود استفاده می‌کنند. (۱۹)

سلطة قوم مدارانة یهود بر عرصة سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده پس از شکل‌گیری دولت اسرائیل به عنوان یک منبع حمایت بیرونی برای رژیم صهیونیستی مطرح بوده است، این امر نفوذمندان لابی را بر آن داشت تا ابزارهای تأثیرگذاری خویش را بر سه حوزه جریه، مقننه، افکار عمومی آمریکا متمرکز کنند. بدین ترتیب الگوی سلطه فعال بر دستگاه سیاست‌گذاری خارجی آمریکا با روشهای فوق شکل گرفت. (۲۰)

## اهرمها و ابزارهای اعمال قدرت ایپاک بر سیاست خارجی امریکا

ایپاک علاوه بر آنچه تحت عنوان زمینه‌ها و استراتژی‌های تأثیرگذاری یاد شد، اهرم‌هایی را برای تأثیرگذاری و اعمال قدرت در عرصه سیاست خارجی امریکا دنبال می‌کند که مهمترین آن عبارتند از:

### قوه مجریه

قوه مجریه امریکا از ابتدای تشکیل رژیم اسرائیل تا اکنون اهمیت فراوانی را برای حفظ روابط نزدیک با اسرائیل، قائل بوده و یهودیان و کمیته مشترک عمومی امریکا و اسرائیل (ایپاک) نیز در ایجاد چنین موقعیتی، نقش حساس و کلیدی را داشته است. شناسایی دولت اسرائیل بلافاصله بعد از اعلام استقلال آن از سوی «هری ترومن» رئیس جمهوری وقت ایالات متحده، نشانه‌ای آشکارا از اهمیت روابط ویژه میان این دو است. ترومن از قدرت یهودیان و بویژه نفوذ مشاوران طرفدار اسرائیل خود مانند «کلیفورد» و «نایلز» آگاه بود. او خود را ملزم به پاسخگویی به هزاران رأی دهنده یهودی می‌دید که نگران موقعیت صهیونیست بودند.

دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، یکی از بهترین دوره‌های قابل تصور برای لابی‌های ایپاک و اسرائیل بود؛ زیرا او بیش از هر فرد دیگری، اقلیت یهودیان را در دولت نفوذ داد. امروزه در دوران حکومت جورج بوش پسر این مهم در اوج خود نمایان شده است. یهودیان امریکا که تنها ۳/۲ درصد از جمعیت امریکا

را تشکیل می‌دهند، قریب ۴/۴۲ درصد از مناصب مختلف مربوط به کابینه کلینتون را به خود اختصاص داده‌اند. فهرست و نام یهودیان لابی، که از مدیران برجسته ایپاک هستند در مناصب مهم و کلیدی دولت آمریکا بیانگر اهمیت و گویای قضایا است. (۲۱) باید یادآوری کرد چهره درونی قوای مجریه آمریکا براساس آمار فوق بویژه در دوران ریاست جمهوری کلینتون، وجود نوعی الگوی الیگارشی پرنفوذ را به نمایش می‌گذارد و شائبه تبدیل تدریجی دولت را به یک «دولت اقلیت قومی» تقویت می‌کند. گستره این پدیده تا بدانجا است که حتی بسیاری از سفیران آمریکا در کشورهای جهان نیز از میان سیاستمداران یهودی لابی که به نحوی با ایپاک در ارتباط هستند برگزیده می‌شوند. (۲۲) در واقع، طبق گزارش کنگره یهودیان، اسرائیل برای یهودیان آمریکا چنان مرکزی دارد که «آینده جوامع یهودی آمریکا در قرن ۲۱ در بسیاری از موارد مهم ارتباط به چگونگی روابط یهودیان آمریکا و اسرائیل خواهد داشت». امروز هر بحثی درباره یهودیان آمریکا و اسرائیل بدون در نظر گرفتن نقش و تأثیر عامل سومی، یعنی آمریکا، ناقص و بی‌معنی است. حمایت‌های دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و نظامی از اسرائیل جزء جدانشدنی استراتژی دولت آمریکا است. تأثیر بلدی‌هی و آشکار این واقعیت سیاسی در افزایش چشمگیر مؤثر بودن حمایت‌های جوامع یهودی آمریکا و نفوذ در قوه مجریه آمریکا از اسرائیل بیانگر این نقش است. به هر حال یک نتیجه پیچیده‌تر این است که آمریکا (خواسته یا ناخواسته در پنهان

یا آشکار) با خط‌مشی خود، هویت یهودیان امریکا را با اسرائیل تحکیم کند و تضاد بالقوه وفاداری دوگانه (نسبت به امریکا و نیز اسرائیل) را برای یهودیان امریکا منتفی کرده و به این طرز تفکر مشروعیت بخشیده است که «آنچه برای اسرائیل خوب است برای امریکا نیز مفید است.»<sup>۲۳</sup> تعهد عمیق یهودیان امریکا به کشور اسرائیل و هم امریکا، باعث شده که آنان با این طرز تفکر که تعهد آنان نسبت به یکی از این دو کشور با تعهد آنها به دیگری تضاد و مغایرت دارد، شدیداً مخالف بوده، آن را رد می‌کنند. از هر ۱۰ نفر ۹ نفر معتقدند که حمایت‌های امریکا و قوه مجریه امریکا از اسرائیل (جوامع لابی‌های یهودی) به نفع امریکاست؛ حال اینکه کمتر از یک نفر از هر ۴ نفر عقیده دارند «مواقعی پیش می‌آید که احساس می‌کنم تعهد نسبت به اسرائیل با تعهد نسبت به امریکا در تضاد و تعارض است و این رابطه به همین شکل و بدون هیچ تعارفی ادامه خواهد یافت.»<sup>(۲۳)</sup>

### کنگره، کانون عمده تأثیرگذاری

در قسمت مراکز عمده قدرت و مجلس سنای امریکا<sup>۱</sup> تعداد زیادی از لابی‌ها به عنوان نماینده مستقیماً در این دو مجلس مشغول هستند. به عنوان مثال از ایالات کالیفرنیا ۹ نفر و از ایالت نیویورک ۸ نفر از یهودیان (لابی) از نمایندگان این دو مجلس هستند همچنین از جمعیت ۶ میلیونی جامعه یهود در امریکا از دو ایالت کالیفرنیا و نیویورک فقط ۱۴ نماینده در دو مجلس دارند و

<sup>۱</sup> - House of Senate



با توجه به فهرست نمایندگان یهود متنفسد در پستهای کلیدی دستگاه‌های مؤثر و قدرتمند امریکا خواهیم دید که در تمام کمیته‌های حساس، نفوذ لابی قدرتمند نمایان است؛ به عنوان مثال «آرین اسکپتور»<sup>۱</sup> از سناتورهای یهودی است که دائماً علیه ایران و دنیای اسلام در حال برنامه‌ریزی است. او سناتوری است از ایالت ویلادلفیا و در کمیته «دفاع» و کمیته «عملیات خارجی» فعالیت می‌کند. به همین ترتیب در کمیته‌های مهم و حساس دیگر نظیر کمیته «روابط خارجی» لابی‌های یهودی قدرتمندی مانند «داین فاین استاین» از ایالت کالیفرنیا و یا «راسل فاین گلد» از ایالت ویسکانسن مشغولند.

رئیس نمایندگان امریکا «نوت گینگریچ»<sup>۲</sup> در یکی از جلسات رسمی عنوان می‌کند که امریکا نباید در جلسه‌ای که اسرائیل در آنجا حضور ندارد یا دعوت نشده است، شرکت کند. (۲۴)

حمایت کنگره از اسرائیل عموماً حمایتی قومی بوده است به گونه‌ای که نشانه‌های آن را آشکارا می‌توان ملاحظه کرد.

کنگره ایالات متحده پیکره‌ای است که نقش تأثیرگذار در سیاست خارجی این کشور ایفا می‌کند و به طور خاص، عامل منحصر به فرد در روابط اسرائیل و امریکا به حساب می‌آید. امریکا عملاً در طول سالهای متمادی، این حمایت قومی را در قطعنامه‌ها، صدور رأی‌ها، بیانیه‌های عمومی و... آشکارا نشان داده است. اگرچه میزان و نسبت حمایتها از

<sup>۱</sup>- Arhene Spector

<sup>۲</sup>- newt Gingrich

اسرائیل در هر کدام از دو مجلس کنگره از زمانی تا زمان دیگر متفاوت است در موارد مهم و حساس، موضعی طرفدارانه نسبت به اسرائیل در هر دو مجلس امریکا به چشم می‌خورد.

گستره حمایت از آنچه «طرفداری از اسرائیلی‌ها بر سیاستگذاری مجلس نمایندگان و سنا کنترل دارند...» تصویب کمیته‌های خارجی شامل کمیته‌های اقتصادی و نظامی به نشانه‌ای پر اهمیت از حمایت کنگره امریکا و لابی‌های تأثیرگذار از اسرائیل تبدیل شده است. براساس آمار در دوره ریاست جمهوری نیکسون و فورد، ۸۰ درصد سنا ۸۶ درصد مجلس نمایندگان در مورد کمک به اسرائیل، نظری کاملاً موافق داشته‌اند. (۲۵)

کنگره و قوای مجریه تنها حوزه‌هایی نیستند که لابی‌های یهودی، اندیشه گسترش سلطه خویش بر آن را در سر می‌پرورانند. در کنار این دو عامل افکار عمومی، شورای امنیت ملی و دیوان عالی قضایی امریکا از مهمترین ارکان عمده تأثیرگذاری است. با رجوع به لیست اعضای مجلس نمایندگان در واقع منافع گروه‌های فشار یهودی «لابی» است که با وارد آوردن فشار بر مراکز تصمیم‌گیری (قوة مجریه، مقننه، کنگره و دیوان عالی قضایی امریکا، دفاع و...) به اهدافشان خواهند رسید. ولی این نکته مسلم است که لابی‌های یهودی در امریکا اثر تعیین کننده‌ای بر مراکز تصمیم‌گیری این کشور دارند که در رأس و قوی‌ترین آنها لابی یهود است. لابی یهودیان در امریکا از قدرت و نفوذ

<sup>1</sup> - Representative House

بلامنازعی برخوردار است که هرگاه دولت نسبت به این خواسته‌ها بی‌توجهی نشان بدهد به طرقي مختلف از جمله کمیته مسائل عمومی آمریکا-اسرائیل (ایپاک) چنان بر کنگره، سنا و دولت فشار می‌آورند تا به نتیجه مطلوب برسند. پروفیسور شریل رونبرگ می‌نویسد، حتی طریقه رأی دادن یک سناتور در مورد این مسأله (مسأله مربوط به اسرائیل)، عامل مهمی در ذهن طرفداران یهودی است تا دوستی وی را نسبت به اسرائیل ارزیابی کنند. آن افرادی که برچسب غیردوست می‌خورند در انتخابات مجدد با مسائل بسیار جدی روبرو می‌شوند. اتحادیه‌های یهودی در آمریکا که منابع مالی آنان از سوی «ایپاک» تأمین می‌شود تا کنون مبالغ مالی هنگفتی برای تبلیغات به نامزدهای انتخاباتی مجلس نمایندگان، سنا و ریاست جمهوری آمریکا پرداخت کرده‌اند. تخمین زده می‌شود که ۹۰ درصد کم‌هایی را که برای مبارزات انتخاباتی به «حزب دمکرات» و ۶۰ درصد از کم‌هایی که به حزب «جمهوریخواه» داده شده از منابع اتحادیه‌های یهودی بوده است. همچنین نمایندگان کنگره در یک نظرسنجی توضیح دادند که چرا از کم‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به اسرائیل پشتیبانی می‌کنند. بیشترین پاسخها تکراری، و این بوده است: «این پشتیبانی در مبارزه انتخاباتی به من کمک می‌کند».<sup>(۲۶)</sup> تاکنون بسیاری از رؤسای جمهوری آمریکا علناً اعلام کرده‌اند که اگر حمایت‌های (سیاسی، مالی و تبلیغاتی) و آرای کنگره و یهودیان آمریکا نبود در انتخابات به پیروزی نمی‌رسیدند. روابط

اسرائیل و امریکا، به دلیل پراکندگی یهودیان در ایالات متحده ویژگی‌های خاصی دارد و یهودیان امریکا نقش مهم‌تری از سازمان یهودیان امریکا در تحمیل تلاشها و اقدامات خود بر گروه‌های سیاسی امریکا و تغییر رفتار آنها ایفا می‌کنند. از این رو، روابط اسرائیل و امریکا دو جانبه نیست، بلکه رابطه‌ای سه جانبه محسوب می‌شود. از مجموع آنچه گذشت بخوبی روشن می‌شود که رابطه امریکا و اسرائیل، استراتژیک و شاید در تاریخ خود میان دو دولت بی‌نظیر باشد. بنابراین ایالات متحده امریکا هیچ‌گاه و تحت هیچ وضعیتی چه در مواقع بحرانی و چه در مواقع غیربحرانی از هیچ کوششی برای حفظ، بقای امنیت، منافع و برتری استراتژیک اسرائیل نسبت به اعراب فروگذار نکرده و نخواهد کرد. این‌گویی نقش دستگاه‌های تأثیرگذار این‌پروسة بسیار مهم است. (۲۷) در همین راستا در گزارشی، ۷۸ سناتور طی نامه‌ای به رئیس جمهوری، کلینتون تأکید کرده‌اند که کمک‌های مالی، اقتصادی به اسرائیل در سطح کنونی ادامه یابد. آنها این مطلب را براساس خریدهای عظیم تسلیحاتی توسط اعراب توجیه کرده‌اند. (۲۸) بی‌تردید علاوه بر یهودیان که در دولت، کنگره، سنا و سایر مراکز حساس امریکا دارای مسئولیت‌های حساس و مهم هستند، لابی اسرائیل در شکل‌دهی سیاست امریکا در برابر مسائل خاورمیانه‌ای در حمایت از اسرائیل نقشی اساسی دارد. جای تعجب نیست که «کلینتون» رئیس‌جمهور وقت امریکا، دستورالعمل مربوط به کمک‌های همه

جانبه در حمایت از اسرائیل را صادر کرد و در کنفرانس سالیانه کنگره جهانی یهودیان در حالی که کلاه ویژه یهودیان را بر سر داشت تحریم همه جانبه علیه ایران را خواستار شد. در همین جلسه، پاپ دالی و نیوت گینگریچ، که از شخصیت‌های برجسته حزب جمهوریخواه آمریکا به شمار می‌روند، مواضعی مشابه و حتی شدیدتر از کلینتون در برابر ایران اتخاذ کردند. گینگریچ رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، آشکارا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را مطرح ساخت و کم‌های بیشتر آمریکا را خواستار شد. (۲۹)

### شورای امنیت ملی

یکی از نهادهایی است که بطور مستقیم بر سیاست خارجی و دستگاه تصمیم‌گیری آمریکا تأثیرگذار است. این شورا در حال حاضر متشکل از نخبگان و مسئولان و گردانندگان دولت ایالات متحده است که دو سال پس از پایان جنگ جهانی دوم با تصویب کنگره تشکیل شد. هدف اصلی تشکیل این شورا متمرکز کردن سیاست‌های مربوط به دفاع و امنیت، دفاع مؤثرتر در رویارویی با تهدیدات و تأثیرگذاری پر دامنه بر حوادث بین‌الملل بوده است. در این رابطه، ریاست جمهوری، دیگر وزیران، نمایندگان مجلس و مسئولان نهادهایی ویژه در اجرای سیاست‌های مربوط به دفاع و امنیت کشور و حمایت‌های همه جانبه از اسرائیل نقش مؤثر دارند. (۳۰) قانون مصوب شورای امنیت ملی، این شورا را در شمار مشاوران رئیس جمهوری در می‌آورد و رئیس جمهوری را موظف می‌کند که برای تدوین سیاست خارجی، امنیت و

منافع ملی امریکا به منظور ارتقای امنیت ملی و استراتژیک برنامه ریزی کند و به مشورت با عوامل و عناصر مهم تأثیرگذار شورایی امنیت ملی بپردازد. اعضای شورا براساس متمم قانون اساسی سال ۱۹۴۷ عبارتند از: رئیس سازمانهای ویژه با توجه به عضویت سناتورهای هوادار اسرائیل در ایپاک و محافظ یهودی لابی. این امر به لابی یهودی فرصت می‌دهد تا مستقیماً و غیرمستقیم در فرصتهای مناسب و به صورت پیش‌هنگام به مراجع مختلف در سطوح مختلف فشار وارد کند.

فندلی در کتابش می‌نویسد «کسی که سیاست اسرائیل را دائماً مورد انتقاد قرار می‌دهد باید منتظر واکنشهای دردناک و ایجاد مشکلات طاقت‌فرسا برای خویش باشد. چنین کسی، حتی ممکن است تحت فشارهای مجازانه لابی طرفدار اسرائیل، منبع درآمدش را نیز از دست بدهد. حتی رؤسای جمهوری امریکا از لابی‌های یهودی می‌ترسند کنگره از دستوراتش اطاعت می‌کند و بعضی از دانشگاهها از برنامه‌های آکادمیک و حتی دریافت کمک‌هایی که لابی یهودی با آنها مخالف باشد، پرهیز می‌کنند و غولهای تبلیغاتی و فرماندهان نظامی در برابر برخی از گروه‌های وابسته به آن و یا بیشتر سرخم می‌کنند.»<sup>(۳۱)</sup>

موضوع رأی دادن یهودیان یکی از علل مهم نفوذ و قدرت مورد بحث گروه‌های یهودی در کنگره، شورایی امنیت ملی و مجلس سنای امریکاست. تعداد شرکت‌کننده یهودیان در رأی‌گیریها سخت مورد توجه سیاستمداران است. در حالی که یهودیان امریکا تنها ۳ درصد

جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند در عین حال، ۹۰ درصد آنان در انتخابات عمومی آمریکا شرکت دارند. با این وصف درصد شرکت‌کنندگان در انتخابات آمریکا بین ۵۰ تا ۵۵ درصد است. این اختلاف درصد و تعداد شرکت‌کننده در بعضی از حوزه‌های انتخاباتی نقش بسیار مهمی دارد؛ مثلاً در ایالت نیویورک که یهودیان ۱۴ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند بین ۲۰ تا ۲۵ درصد آرا، متعلق به آنهاست؛<sup>(۳۲)</sup> به عنوان مثال توماس داین مدیر اجرایی ایپاک درباره میزان تأثیرگذاری آرای یهودیان در انتخابات آمریکا چنین می‌گوید: «در انتخابات آمریکا هیچ دمکراتی پیروز نشده است مگر آنکه حداقل ۷۵ درصد از آرای یهودیان را به خود اختصاص داده باشد.»<sup>(۳۳)</sup> تخمین زده می‌شود که بیشتر از نیمی از هدایای بزرگ مربوط به هزینه‌های انتخاباتی به حزب دمکرات یا جمهوریخواه متعلق به یهودیان آمریکا و اسرائیل باشد. روزنامه «کریس سانیس مانیتور» در شماره ۳۰ نوامبر ۱۹۹۳ نوشته است حدود ۵۵ درصد از سرمایه حزب دمکرات را یهودیان آمریکایی تأمین می‌کنند؛ مثلاً در سال ۱۹۹۸، بیست و یک نفر، هرکدام به مبلغ یکصد و پنجاه هزار دلار به مبارزه انتخاباتی کمک کرده که از این تعداد ۱۷ نفر یهودی بوده‌اند.<sup>(۳۴)</sup> سرانجام می‌توان به این جمع‌بندی رسید که دستگاه‌های تأثیرگذار، کانون عمده نفوذ لابی‌ها و یهودیان آمریکا در طی سال‌های اخیر بوده‌اند. این سازمانها تحت تأثیر مجموعه‌های درونی و نفوذ لابی‌های اسرائیل بوده و گروه‌های لابی همواره زمینه را برای تسلط بر

سیاست امریکا پدید آورده اند. تمام لابی‌های اسرائیل محور در ساختار سیاست خارجی امریکا در چارچوب سازمان جهانی یهود و آژانس یهود فعالیت دارند. این سازمانها، شبکه خود را برای تأثیرگذاری برحکومت و نهادهای مهم در امریکا و در کشورهای امریکایی لاتین، استرالیا، زلاندنو، ایتالیا، آلمان، بلغارستان، چک اسلواکی، آفریقای جنوبی، روسیه، کانادا و در بعضی از کشورهای آسیایی فراهم ساخته اند. این گروه‌ها در تلاشند تا منافع استراتژیک اسرائیل را با منافع امریکا در هم بیامیزند.<sup>(۳۵)</sup> رؤسای جمهوری امریکا به عنوان رئیس شورای امنیت ملی و حتی با درجه‌ای بالاتر، سناتورها و نمایندگان کنگره این کشور در معرض تأثیر پدیده‌ای قرار دارند که از آن به عنوان لابی اسرائیل یاد می‌شود. این مسأله چنان ملموس است که به باور دالس «در امریکا اجرای یک سیاست خارجی، که از سوی یهودیان مورد تأیید قرار نگیرد، تقریباً کاری محال است.»

### نتیجه‌گیری

امروزه عرصه سیاستگذاری خارجی ایالات متحده با وجود گروه‌های لابی به عنوان یک منبع حیاتی بیرونی برای رژیم اسرائیل درآمده است. شاید این وضعیت بیانگر بافت خاص شکل‌گیری جامعه امریکا است به گونه‌ای که گروه‌های قومی و مذهبی مهاجر می‌توانند در اعمال فشار بر حکومت فدرال موفق باشند. اقلیت قوم یهود نیز در امریکا با بهره‌گیری از این زمینه اندیشه‌ای و با تکیه بر نقاط



اتکایی همچون تضمین حقوق شهروندان به بزرگترین گروه فشار در درون امریکا تبدیل شده‌اند. اگر به عقب‌تر برگردیم اواخر قرن نوزدهم با ایجاد سرزمین مستقل یهود، این رفتار و فعالیتها بیشتر خود را نشان می‌دهد. لابی یهود خیلی زود با درک سریع اوضاع حکومتی در امریکا تشکلهای، اتحادیه‌ها و سازمانهای پرشاخ و برگ را در این کشور پی‌ریزی کرد تا بتواند در اجزای ساختار حاکم بر امریکا نفوذ کند و نیات خود را عملی سازد. لابی یهود در این راه توانست به مدد سرمایه‌داران بزرگ حامی خویش در امریکا سیستم سازمان یافته تشکیلاتی دولت را تحت سلطه درآورد و این کشور را به حمایت از طرحها و برنامه‌های خود وادارد.

در این میان حیطة عمل لابی ایپاک نه تنها سیاست درون امریکا که سیاست بین‌الملل این کشور را نیز دربرمی‌گرفت. حمایت از اسرائیل و مقابله با کشورهای که با اسرائیل روابط دوستانه‌ای ندارند، مدنظر این طیف بوده، دولت امریکا را وامی‌دارد که با تزریق کمکهای اقتصادی، نظامی، سیاسی بر توان آن بیفزاید. لابی یهود امروز در درون ساختار سیاسی ایالات متحده نفوذ کرده و سبب شده است سیاست خارجی این کشور در انتخاب میان منافع ملی امریکا و منافع اسرائیل دچار سرگستگی شود. لابی قدرتمند یهود امروز برخلاف دیگر گروههای نیژادی بلویژه امریکایی‌های عرب‌تبار، مستقیماً با کاخ سفید ارتباط دارد و به کمک مثلث سیاستمداران، آرا و ثروت یهودیان توانسته است در مناصب مختلف سیاسی، کابینه و کنگره تأثیر به‌سزایی ایجاد، و

اسرائیل را به خانه امن استعمار تبدیل کند.

#### یادداشتها

- ۱- لی اوبرین، سازمانهای یهودیان امریکا و اسرائیل، ترجمه ع. ناصری (تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور) ص ۲۵۵.
  - ۲- انگلستان در سال ۱۹۳۹ با انتشار این کتاب سیاستهای جدید خود را در قبال اعراب فلسطینی و یهودیان جهان اعلام نمود و تبدیل فلسطین به کشور یهودی از طرف دولت انگلستان نفی گردید.
  - ۳- حمید احمدی. ریشه های بحران در خاورمیانه، (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷) ص ۳۱.
  - ۴- گروههای فشار یهود (لابی) در امریکا، «پژوهشیار، (موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاع)، پاییز ۱۳۷۹، ص ۸۹.
  - ۵- «استراتژی نظامی دولت یهود»، مجله سیاست دفاعی، ترجمه گروه روابط بین الملل، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۶، ص ۳۴.
  - ۶- نظام شرابی، امریکا و اعراب، ترجمه عباس عرب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۷.
  - ۷- گروه های فشار لابی در امریکا، همان، ص ۸۹.
  - ۸- گروه تحقیق و بررسی، گروه های قوم مدارانه یهود، فصلنامه حصن، مرکز تحقیقات قم، زمستان ۱۳۷۹.
  - ۹- همان، ص ۸۳.
  - ۱۰- الگوی کارکردی هژمونی الیگارشیکی قوی در سیاستگذاری خارجی، فصلنامه فلسطین، سال اول، ش ۴، تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۰.
  - ۱۱- لی ابرین، همان، ص ۲۶۲.
  - ۱۲- دونالدنف، گروگانگیری سیاست خارجی امریکا توسط اسرائیل، ترجمه محمود بهزادی، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۱۸ (بهار ۱۳۷۶).
  - ۱۳- لی ابرین، همان، ص ۲۷۷.
- 14- David Singer, Amrican Jewish Year Book (New york: The American Jewish committee, 1984), P. 210.
- ۱۵- مطالعات منطقه ای خاورمیانه، جلد نهم، تهران ۱۳۸۰ ص ۲۲۹.
  - ۱۶- همان، ص ۲۲۶.
  - ۱۷- نداء القدس، سال سوم، شماره ۴، فروردین ۱۳۷۸، ص ۱۸.
  - ۱۸- حمید احمدی، همان، ص ۲۴۵.
  - ۱۹- نداء القدس، فعالیت لابی یهود، اسرائیل، شماره ۹ ص ۳۴.
  - ۲۰- همان، ص ۳۵.
  - ۲۱- افشین اسماعیلی، نقش امریکا و سازمانهای یهودی در تحقق اهداف اسرائیل، (تهران: دفتر مطالعات سیاست و بین المللی) شماره ۹۱، ص ۲۳-۲۴.
  - ۲۲- همان، ص ۲۵.
  - ۲۳- لی ابرین، همان، ص ۴۴۲.
  - ۲۴- بولتن برگزیده، ایران دیروز، فلسطین امروز، «امریکا اسرائیل»، بهمن ۱۳۷۹، ص ۱۰.

نقش ایپاک در فرایند سیاست‌گذاری علیه خارجی امریکا  
دانشکده علوم انسانی

- ۲۵- افریم انبیار، خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، ترجمه میرسعید مهاجرانی، مجله سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۳۹-۴۰.
- ۲۶- محمدباقر سلیمانی، بازیگران روند صلح خاورمیانه، (تهران: مطالعات و سیاسی بین‌المللی، ۱۳۷۹) ص ۱۴۶.
- 27- Adam Garfinki, "V.S. – Israeli Relations After the Cold War".
- ۲۸- گروه‌های فشار یهودی در امریکا، فصلنامه خاورمیانه سال دوم شماره ۲ ص ۵۳۹.
- ۲۹- مجتبی ابیری، ایران و امریکا، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نهم، شماره ۹۶ ص ۱۸.
- ۳۰- فصلنامه حصون، همان، ص ۸۱.
- ۳۱- پاول فندل، چه کسی جرأت سخن گفتن دارد، (بیروت! شرکه المطبوعات.) للتوزیع و النشر، ۱۹۸۵. ص ۵۱۱-۵۱۲.
- ۳۲- شرابی، همان، ص ۱۶-۱۳.
- ۳۳- لی ابرین، همان، ص ۲۶.
- ۳۴- پاول فندل، همان، ص ۵۰۸.
- ۳۵- اورنس. ا.ح شوپ و ویلیام هینتر، شورای روابط خارجی سیاست خارجی امریکا، ترجمه منصور آب و علی رضایی (تهران: انتشارات اطلاعات) ص ۱۲۵.

